

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۳۶۷  
شماره ۴



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

گرایش / شاخه

۱۰ / ۲ / ۱۳۷۹

مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه عمومی ایران  
تعمیرات

استقلال بحرین و استرداد جزایر سه گانه دهلنه، خلیج فارس

۵۵۰۲

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما : جناب آقای دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی

استاد مشاور : جناب آقای دکتر فرهاد عطاشی

استاد داور : جناب آقای دکتر داود باوند

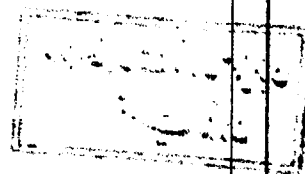
نگارش از : محمد حسین دائمی

شماره دانشجویی : ۷۰۳۰۷۲۵۳۲

تاریخ : اردیبهشت ماه ۱۳۷۸

۲۱۰۳۱

1 / 20 PVT



دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی مسزول عتایدی که

نویسنده در این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

هر نوع استفاده از این اثر منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

## \* فهرست مطالب \*

مقدمه	۴
بخش اول: کیفیت استقلال بحرین و حاکمیت ایران بر جزایر	۹
فصل اول ( سیر تاریخی حاکمیت ایران بر بحرین	۱۰
الف: وجه تسمیه بحرین	۱۲
ب: موقعیت جغرافیایی	۱۳
ج: تاریخ سیاسی	۱۶
فصل دوم ( سیر تاریخی حاکمیت ایران بر جزایر	۲۷
الف: جغرافیای سیاسی جزایر تنب و ابوموسی	۲۸
ب: اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی جزایر تنب و ابوموسی	۳۳
ج: حقوق تاریخی ایران	۴۴
فصل سوم ( نقش دولت انگلیس در استقلال بحرین و ایجاد اختلافات بر سر جزائر	۵۳
الف: تاریخچه دخالت بیگانگان در خلیج فارس	۵۴
۱- نفوذ چین در خلیج فارس	۵۴
۲- استعمارگران پرتغالی در خلیج فارس	۵۹
۳- حضور هلندیها در خلیج فارس	۷۲
۴- حضور فرانسه در خلیج فارس	۷۸
ب: بررسی نفوذ انگلیس در خلیج فارس از بدو ورود تا سال ۱۹۷۱ و دامن زدن به اختلافات	۸۴
بخش دوم: کیفیت ایجاد اختلاف بین ایران و شیخ شارجه بر سر جزایر و حل آن	۹۹

۱۰۰	فصل اول ( بررسی علل اختلافات بین ایران و شیخ شارجه
	فصل دوم ( نحوه حل و فصل اختلاف بین ایران و شیخ شارجه
۱۱۲	با تأکید بر موافقتنامه ۱۹۷۱
۱۲۷	بخش سوم : مطرح شدن مجدد اختلافات در عصر کنونی
	فصل اول ( بررسی علل ملی و بین المللی مطرح شدن مجدد مسأله
۱۲۸	جزایر در سال ۱۹۹۲
۱۳۰	الف : انقلاب ایران
۱۳۰	ب : دخالت سازمان آزادیبخش فلسطین
۱۳۱	ج : حمایت عربستان از طرح مجدد مسأله جزایر
۱۳۲	د : تحریکات عراق
۱۴۰	فصل دوم ( راهکارهایی جهت حل و فصل این مسأله
۱۴۱	الف : بررسی نقش کشورهای ثالث در ایجاد و گسترش بحران
۱۴۱	- نقش آمریکا در ایجاد و گسترش بحران
۱۴۳	- نقش مصر در بحران ابوموسی
۱۴۴	- نقش عربستان در ایجاد و گسترش بحران
۱۴۷	- نقش انگلیس در حمایت از امارات
۱۴۷	- موضع عراق در قبال بحران ابوموسی
۱۴۸	- موضع ترکیه درباره بحران
۱۴۸	ب : ارائه راهکارهای عملی جهت حل مسأله جزایر
۱۵۲	نتیجه گیری
۱۵۵	فهرست منابع

چکیده:

به هنگام گسترش رقابتهای سیاسی - استراتژیک قدرتهای اروپائی در خاور زمین، خلیج فارس به عنوان یک شاهراه بازرگانی و به عنوان یک حلقه پراهمیت در زنجیر استراتژیک آنان مورد توجه قرار گرفت.

کشور ایران به دلیل حاکمیت بر تمامی سواحل شمالی خلیج فارس از یک سو و تسلط بر جزایر استراتژیک واقع در دهانه این آبراه حیاتی از سوی دیگر، نقش مهمی را در امنیت خلیج فارس بر عهده دارد.

چنان که می دانیم مجمع الجزایر بحرین زمانی طولانی بخشی از خاک پهناور ایران بوده و به همین دلیل دارای همبستگی و مشترکات قومی و مذهبی با ایران است، به گونه ای که مسائل داخلی این شیخ نشین در ارتباط حساس و نزدیک با وقایع است که در ایران جریان دارد و از آن تأثیر می پذیرد، لذا شناخت علل و ریشه های جدائی این مجمع الجزایر از پیکره ایران می تواند راهگشای آینده موضع گیریها بوده باشد و برخورد با مشابهات تاریخی که در هر زمانی به شکلی ظاهر می شوند را ساده و آسان و از تکرار چنین تجربیات تلخی جلوگیری می کند.

و اما جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابو موسی، سه جزیره کوچک در خلیج فارس هستند که در فاصله بین قلمرو اصلی ایران و میانه خلیج فارس واقع شده اند. این جزایر از گذشته های بسیار دور بخشی از قلمرو ایران بوده و در قرنهای ۱۹ و ۱۸ میلادی جزء حوزه صلاحیت و حکمرانی لنگه به حساب می آمده اند به واسطه نزدیک بودن به تنگه حساس و استراتژیک هرمز، از موقعیت ژئوپولیتیک ویژه ای برخوردارند.

ادعای حاکمیت امارات بر جزایر که نقطه اوج آن در سال ۱۹۹۲ بود، این سئوال را مطرح می سازد که دلیل طرح ادعای حاکمیت بر جزایر سه گانه توسط امارات در این مقطع چیست و چرا اعراب همراه با برخی کشورها قویاً از موضع جانبداری نموده و به بحران دامن می زنند که برای پی بردن به ریشه های بحران ابتدا به بررسی سیر حاکمیت ایران بر بحرین و جزایر مذکور اشاره و سپس به رد ادعای واهی امارات مبنی بر حاکمیت بر جزایر سه گانه دهانه خلیج فارس می پردازیم.

↑

## المُلخَّص:

١- حين توسع مناقصات السياسيه - استراتيجيه لقوات الاروبيه في الشَّرْق وُجَّه الخليج الفارسى، بمثابة طريق رئيسى فى التجاره و بمثابة حلقة رئيسيه فى سلسلتهم الاستراتيجيه. بسبب حاكميه ايران على سواحل شمال الخليج الفارسى مِنْ جِهَة و لتسلطه على الجزائر الاستراتيجيه الواقعه فى فتحه هذا الطريق الرئيسى مِنْ جِهَة اخرى، تعهدت ايران دورا رئيسا فى استقرار الامن فى الخليج الفارسى.

كما نَعْلَمُ، عِبْرَ زمنٍ طويلٍ كَانَتْ مَجْمَعُ جزائر بحرين جزءً من اراضى الواسعه لايران. لهذا تكون ذات علاقات قوميه و مذهبيه كثيره مع ايران، بحيث أَنَّ للوقايح الجاريه فى هذا الاماره علاقه قريبه مع الوقايح الجاريه فى ايران و تتأثر مِنْهَا. فلذا العلمُ بعلم و جذور الفراق بين هذه مَجْمَعُ الجزائر من جَسَدِ ايران يستطيع أن يَدُلَّنَا الى كَيْفِيَّةِ المواقف فى المستقبل و يُسَهِّلُ المواجهه الى مشابهاه تاريخيه التى تظهر فى كلِّ زمانٍ بشكلٍ و مَنَعُ مِنْ تكرار تلك التجارب المُرَّةَ مَرَّةً اخرى.

و اما جزائر تُنْبُ الكَبِير و تُنْبُ الصَّغِير و ابو موسى ثلاث جزائر صغيره فى خليج الفارسى التى تقع فى مجال بين ثغور اصلى ايران و وسط الخليج الفارسى كَانَتْ هذه الجزائر جُزءً مِنْ مَنَطَقَه نفوذ ايراي من ازمنه القديمه و كانت تعتبر من حوزة صلاحية و حاكميت «لنگه» فى قرون ١٨ و ١٩ م. التى كانت بفسها فداحيه اداريه من محافظ فارس على اى حالٍ هذه الجزائر، سِيَّما جزيرة ابو موسى قربها بالمضيق المَهْمَه و الاستراتيجيه هرمز، تكون ذات دورٍ جنوبي لتيكيه خاصه.

ادعا حاكميه الامارات على جزائر شدتها فى سنه ١٩٩٢ م. يُطْرَحُ هذا السؤال؟ ما هو دليلُ طرح ادعاء حاكميه على جزائر الثلاثه من جِهَة الامارات فى هذا الزمان؟ و لماذا يحمون العرب من موفق امارات مع بعض دول اخرى قويا يزايدون شدة الازمه؟

فلفهم بذور الازمه نشير ابتداء بكيغيه سير الحاكميه ايران على بحرين و جزائر المذكوره و ثم نشير برّد مدعيات واهيه امارات، المبييه على حاكميه الجزائر الثلاثه الفتحه الخليج الفارسى.

## *ABSTRACT*

*While the European powers were stretching their political strategic in the middle East, Persian Gulf as a commercial main road and as important ring in their strategic chain was noticed by them.*

*Iran because of its sovereignty over all northern coasts of Persian Gulf and its domination on the strategic islands located on the opening of this vital flood channel is playing an important role in Persian Gulf and its security.*

*As we know the archipelago of Bahrine for a long time has been a part of Iran, it has solidarity and common religious with Iran, so that the interior problems in this Emarates has a close relation with problems which occur in Iran and effected by them. So knowing the causes of its separation from Iran can help to their future confrontation.*

*But island of TUNB and ABUMUSA are three islands located in between jurisdiction area of Iran and middle of Persian Gulf. These island for a long time have been parts of Iran and during the 18th and 19th centuries were in the jurisdiction area of BANDAR LENGAH, any way, islands especially ABUMUSA island because of its nearness to the strategic stair of HORMOZ has a good geopolitic location.*

*The U.A.E's claim on these three islands especially in 1992, causes this question that why the u.a.e has propounded this claim at this time and why Arabs together with some other countries have take the part of the U.A.E to understand the roots of crisis first we should study the period of Iran sovereignty on Bahrain and the island and then we should refuse the chimeral claims of the U.A.E which experss its sovereignty on these islands.*



## مقدمه :

خلیج فارس نقش خود را به عنوان شاهراه بازرگانی، از روزگاران باستان آغاز کرد. این نقش از هنگام گسترش قدرت امپراتورهای بزرگ در باختر جهان همانند هخامنشیان، یونانیان مقدونیان، پارتیان، رومیان، و ساسانیان اهمیت بیشتری یافت. هنگامی که تشکیلات عرب حاکمیت خود را بر سراسر منطقه ای گستراند که امروز خاور میانه خوانده می شود، خلیج فارس نقش خود را در زمینه بازرگانی و ارتباطات تجدید کرد و مرکز این تشکیلات را با پیرامون آن مربوط ساخت. به هنگام گسترش رقابتهای سیاسی - استراتژیک قدرتهای اروپائی در خاور زمین، خلیج فارس به عنوان یک شاهراه بازرگانی و به عنوان یک حلقه پر اهمیت در زنجیر استراتژیک آنان مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این اهمیت خلیج فارس به دلیل وجود منابع عظیم نفتی و احتیاج جهان صنعتی به آن برکسی پوشیده نیست. تنها راه ارتباطی خلیج فارس با آبهای آزاد از طریق تنگه هرمز میسر است. ایران به دلیل حاکمیت بر تمامی سواحل شمالی خلیج فارس از یک سو و تسلط بر جزایر استراتژیک واقع در دهانه این آبراه حیاتی - که تردد نفتکشها، کشتیهای تجاری و ناوهای جنگی از لابلای این جزایر صورت می پذیرد - از سوی دیگر، نقش مهمی را در امنیت خلیج فارس بر عهده دارد.

جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابو موسی، سه جزیره کوچک در خلیج فارس هستند که در فاصله بین قلمرو اصلی ایران و میانه خلیج فارس واقع شده اند. این جزایر از گذشته های بسیار دور بخشی از قلمرو ایران بوده و در قرنهای ۱۸ و ۱۹ میلادی جزء حوزه صلاحیت و حکمرانی لنگه به حساب می آمده اند که خود یک بخش اداری از استان فارس بوده است<sup>(۱)</sup>. مجمع الجزایر بحرین نیز زمانی طولانی بخشی از خاک پهناور ایران بوده و به همین دلیل دارای همبستگی و مشترکات قومی، ریشه ای و مذهبی با ایران است، به گونه ای که مسائل داخلی این شیخ نشین در ارتباط

۱- اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر تنب و ابو موسی؛ (تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۶)،

حساس و نزدیکی با وقایعی است که در ایران جریان دارد و از آن تأثیر می پذیرد<sup>(۱)</sup>، لذا شناخت علل و ریشه های جدائی این مجمع الجزایر از پیکره ایران می تواند راهگشای آینده موضعگیریها بوده باشد و بر خورد با مشابهات تاریخی که در هر زمانی به شکلی ظاهر می شوند را ساده و آسان و از تکرار چنین تجربیات تلخی جلوگیری می کند. بهر حال جزایر مزبور، به ویژه جزیره ابوموسی به واسطه نزدیکی بودن به تنگه حساس و استراتژیک هرمز، از موقعیت ژئوپولیتیک ویژه ای برخوردارند. ایران بر بسیاری از جزایر ارزشمند از لحاظ استراتژیک در تنگه هرمز و دهانه خلیج فارس، چون هرمز، لارک، قشم، هنگام، تنب بزرگ و ابوموسی مالکیت دارد که در فاصله های نسبتاً کوتاه از یکدیگر قرار گرفته اند و خط قوسی دفاعی ایران را تشکیل می دهند.

در سالهای ۱۹۰۴-۱۹۰۸ میلادی، به سبب ضعف دولت مرکزی ایران، انگلیسیها به بهانه مبارزه با دزدان دریائی و برده فروشی، در جزایر و برخی کرانه های جنوبی دریای پارس به طور ظالمانه و غاصبانه مسخر شدند. انگلستان در تداوم سیاستهای استعماری خود، برای تسلط دائم بر این جزایر در سال ۱۹۲۱ و پس از تجزیه رأس الخیمه از شارجه، در صدد برآمد که جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک را جزء رأس الخیمه و جزیره ابوموسی را جزء شارجه کند، که با مخالفت شدید دولت ایران مواجه شد. در سال ۱۹۷۱ میلادی، هم زمان با خروج نیروهای انگلستان از خلیج فارس و ایجاد یک کشور به ظاهر مستقل با عنوان امارات عربی متحده، دولت ایران در ۹ آذر ۱۳۵۰ هـ ش، حاکمیت مسلم خویش بر جزایر سه گانه را اعاده کرد و عملاً به سلطه غاصبانه و ظالمانه دولت انگلستان بر این جزایر ایرانی پایان داد. در این سال قرار داد ۷ ماده ای بین ایران و شارجه به عنوان یکی از امیر نشینهای امارات عربی متحده امضاء شد که در آن موافقت گردید امارت شارجه به منظور پیشرفت برنامه های عمرانی و اجتماعی خود، از کمکهای دولت ایران برخوردار شود. این قرارداد، حاکمیت و حفظ امنیت این جزیره از سوی ایران را، از حقوق مسلم ایران می شمرد و در عین حال به حضور مشترک ایرانیها و اماراتیها در جزیره ابوموسی در یک

۱- هادی فرجوند؛ سیاست و حکومت در بحرین، (تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۰) ص ۱۰۲

زندگی آرام و مشترک اشاره می کند.<sup>(۱)</sup> اما از اوایل سال ۱۳۷۱ تبلیغات وسیعی توسط اعراب بر علیه ایران به راه افتاد. این تبلیغات با ادعای امارات مبنی بر تخلف ایران از یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ م، آغاز و با حمایت و پشتیبانی کشورهای عرب و برخی دیگر از کشورها به اوج خود رسید. اعراب در تبلیغات خود چنان وانمود می کردند که ایران حاکمیت امارات بر ابو موسی را نقض نموده است. تلاشهای ایران برای حل مسالمت آمیز مسأله نه تنها ثمر نبخشید بلکه باعث شد تا اعراب پا را فراتر گذاشته و ادعای حاکمیت امارات بر جزایر تنب را نیز مطرح و تهدید کنند موضوع را به شورای امنیت ارجاع خواهند داد.

بحران اخیر این سؤال را مطرح می سازد که دلیل طرح ادعای حاکمیت بر جزایر سه گانه توسط امارات در این مقطع چیست و چرا اعراب همراه با برخی دیگر کشورها قویاً از موضع امارات جانبداری نموده و به بحران دامن می زنند؟ برای پی بردن به ریشه های بحران لازم است ابتدا حاکمیت ایران بر بحرین و جزایر مذکور در طول تاریخ مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که آیا ادعای امارات بر اساس حقیقت است یا خیر؟

۱- ایرج افشار سیستانی، جزیره بوموسی و جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک، (تهران، انتشارات وزارت امور

## «بررسی متون»

## الف) روش تحقیق:

روش تحقیق در نگارش این پایان نامه به روش کتابخانه ای - اسنادی بوده است که جهت جمع آوری و گرد آوری مطالب از کتابخانه های مختلف از جمله کتابخانه دانشگاه امام صادق (ع)، کتابخانه دانشگاه تهران، کتابخانه سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین مرکز اسناد و اطلاع رسانی معاونت تحقیق و پژوهش سازمان تبلیغات و دانشگاه امام صادق (ع) استفاده شده است.

## ب) متغیرهای دخیل:

چنانچه در متن پایان نامه بررسی خواهد شد عوامل و مسائل متعددی در ایجاد و طرح مجدد ادعای امارات متحده عربی بر جزایر سه گانه دخیل بوده اند که مهمترین آنها ضعف قدرت دولت مرکزی و عدم توجه آن به اوضاع خلیج فارس و سیاستهای استعماری انگلیس در طول قرن ۱۹ و اواسط قرن ۲۰ می باشد. از دیگر عوامل مؤثر در بحران اخیر می توان به سیاست مقامات ایران در سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ و انعقاد یادداشت تفاهم ۱۹۷۱ بدون تعیین حق حاکمیت جزیره ابو موسی در آن تفاهم نامه اشاره کرد.

## ج) فرضیه اصلی

سرزمین بحرین و جزایر تنب و ابو موسی از زمانهای بسیار دور متعلق به ایران بوده و ایران نه تنها بر جزایر مذکور بلکه بر تمامی سواحل و جزایر خلیج فارس حاکمیت داشته است ولی دامنه این استیلاء به دلایل مختلف از جمله:

۱- ضعف دولت مرکزی ایران و عدم توجه آن به اوضاع خلیج فارس.

۲- سیاستهای استعماری انگلیس در جهت حفظ منافع خود و منزوی کردن ایران در منطقه.

رفته رفته کاهش یافته و در طول زمان برخی از مناطق ایرانی مدعیانی پیدا کرد. ادعای اخیر امارات نیز در همین راستا می باشد و هیچ گونه پایه تاریخی و حقوقی ندارد. این ادعا می تواند به عنوان یک فرصت برای امارات جهت اخذ امتیاز از ایران ارزیابی گردد.

#### ۲) سازماندهی تحقیق:

تحقیق حاضر در سه بخش نگارش شده که بخش اول شامل سه فصل می باشد، فصل اول آن به بررسی سیر تاریخی حاکمیت ایران بر بحرین اختصاص دارد و فصل دوم آن به بررسی سیر تاریخی حاکمیت ایران بر جزایر و فصل سوم آن به بررسی نقش دولت انگلیس در استقلال بحرین و ایجاد اختلاف بر سر جزایر پرداخته است. بخش دوم آن شامل دو فصل می باشد که فصل اول آن به بررسی علل اختلافات بین ایران و شیخ شارجه می پردازد و فصل دوم آن نحوه حل و فصل اختلاف بین ایران و شیخ شارجه با تاکید بر تفاهم نامه ۱۹۷۱ را مورد بررسی قرار می دهد. بخش سوم نیز شامل دو فصل می باشد که فصل اول به بررسی علل ملی و بین المللی مطرح شدن مجدد مسأله جزایر در سال ۱۹۹۲ اشاره دارد و فصل دوم آن را راهکارهایی را جهت حل و فصل این مسأله ارائه می دهد و در پایان نتیجه گیری بحث ارائه گردیده است.

امید است که این مختصر، توشه راه پژوهش های آتی قرار گیرد.

## **بخش اول:**

**کیفیت استقلال بحرین و حاکمیت ایران بر آن کشور**

## **فصل اول:**

**سیر تاریخی حاکمیت ایران بر بحرین**